

حقیقت

شماره ۱۰۳ ۱۳۵۹

سر مقاله

آنها نیکه مردم را به سازش با ابر قدرت روس فرا میخوانند

روزیکشنبه ۷ دیماه ۱۳۵۹
الدین فارسی یکی از سیاست
پردازان حزب جمهوری اسلامی
سیاست "اربعین حسینی"
سخانی در میدان امام حسین
تهران ایراد کرد که سار دیکر
جوهریات تسلیم طلبانه،
مردمان را از این حزب رادربراه
برابر در نظر نماند ما حجت
سخانی وی با دفاع
از روحانیون با اصطلاح "انقلابی
وفداکار که بنظر او انقلاب
نامه ای و بیعتی هستند، آزار
دنواست نباید "خرید" ویا "اجام
رود" "سلحه و تجهیزات از ابر
قدرت و وارد شدن در ساسانی
خراسات "شوروی و کوسا"
سخانی بیرون است.
وی می اراد کرد ساسانی
سندی به "سیرانها"، "مسار
تعلیم" و "ارواحانی سما" عالی که
بر سر ارواحانی سما میل و
سند "علی دارودسته رهبران
حزب جمهوری اسلامی اینادماند

پیرامون

درگیری های

چند روزه تهران

درگیری های خیابانی
هفته گذشته (۳ تا ۶ آذر) در تهران
با ردیگرشان داد که جه کسان
سی در به انحراف کشیدن ذهن
مردم از جنگ و مقابله با تجاوز
کسترده ای که هزاران کیلومتر
از سرزمین ما را به اشغال بی
کانه در آورده دارند. جه کسان
سی در ایجا دتفرقه و چند دستگی
در پشت حبه این جنگ میکنند
و به حادثه آفرینی و فتنه سازی
هایی که زمینه به اجرای نقشه
های امپریالیسم میدهد، می
پردازند.
پس از لغو راهپیمایی
بفیه در صفحه ۳۰

هسته های مقاومت

یا هسته های خبرچینی ضد کارگری

در "میارا" جنبه های
اسلامی "کارخانجات که جنبه
بیش در "خانه کارگر" در تهران
سرکار کردید، اطلاعاتی از
طرف "ستاد سیج مکتبی -
نظامی" خوانده شد، این "ستاد
سیج" "از ارگانهای
بفیه در صفحه ۴۰

نفتگران قهرمانی که در راه دفاع از انقلاب و میهن جان باختند

سمینار ائمه جمعه

برای چه تشکیل شد؟

مردم باید بهوش باشند!
نقشه بعدی آمریکا
چیست؟

گوشه هایی

از فعالیت کارگران

پرو فیل نیمه سبک
در جنگ تحمیلی

سئوالی از
آقای
جلال الدین

فارسی
صفحه ۳

پاسخی به
نامه پراکنی

فدائی
اکثریت

پاسخ
به
توانندگان
صفحه ۸

"وظیفه حزب جمهوری و حقی"
که باید کف دستش گذاشت!

آنها نیکه...

بقیه از صفحه ۹۰۱ —
 قدرتها و مشخصاً از شوروی فشار
 بیاورند، و بدینسان پای آنها
 را در کشور ما بکشانند، آقای
 فارسی با اشاره به تهدید
 دشمنان انقلاب و "ضربه احتمالی"
 ای آمریکا "مردم را مخاطب
 قرار داده میگوید: "شما مردم
 باید به مسئولان دولتی هشدار
 بدهید که زمان را از دست ندهند
 با بدسلاخی بدست بیاوریم که
 نتوانیم ناوگان آمریکایی را
 که میخواهد به روی ما آتش
 بکشد و هواپیماها بکنج کوه
 بخواهد یک شهر را از آسمان
 با رابهاران کند، به قدر دریا
 بفرستد."
 ولی آقای فارسی میدانند
 که مردم ما به جز نیروی ایمان
 انقلابی و وحدت خویش دارای
 سلاحی که با سلاحهای آمریکایی
 برابری کنند نمیتند. پس جنین
 سلاح هائی را از کجا میتوانند
 تهیه کنند؟ آنها سلاحهای که
 مانند سلاحهای آمریکایی
 رسیده ای برای به اسارت
 کشیدن مردم ما نشوند. آقای
 فارسی معتقدند که "جنین سلاحی
 وجود ندارد". و برای اثبات این
 مدعا میگوید: "مگر سودگسره
 شمالی که ناوگان آمریکایی را
 برف کرد، مگر نبود موشک انداز
 های مصر در دوره عبدالناصر
 که برترترین گشتی اسرائیل را
 در دهها سال موشرغسرن
 کرده اند. مگر دولت کوچک کوبا که
 - ج کوس ایالات متحده - آمریکا
 را به سلاحهای مجهزند که می
 توانست تمام شهرهای آمریکا

را تبدیل به خاکستر کند و همین
 خطر و تهدید باعث شده آمریکا -
 لسم آمریکا در برابر شوروی
 و کوبا تمیز بسیار رد که هرگز
 کوبا حمله کند و تا کنون نتوان
 بسته حمله کند. پس ما باید
 با سلاحی که میتوانند جواب ضربه
 انتقامی آمریکا را بدهند مجهز
 بشویم."
 بعبارة دیگر آقای
 جلال الدین فارسی میخواهد که
 "مسئولان دولتی" برای عقابله
 با ناوگان آمریکا و هواپیما
 های آمریکایی از ناوگان
 روسی و هواپیماهای دولتی
 شوروی استمداد بچوبینند؛ و
 جواب سلاح آمریکایی را با سلاح
 روسی بدهند. حتماً فردا هم
 هجوم سرباز آمریکایی را با
 دعوت سرباز روسی خواهند
 خواست پاسخ دهند. چه همه می
 دانند که آن موشک اندازهای
 که مصر در دوره عبدالناصر
 با آنها به جنگ با اسرائیل
 رفت، آن وسائلی که "دولت
 کوچک کوبا" با آنها "میتوانست
 تمام شهرهای آمریکا را تبدیل
 به خاکستر کند" و غیره، همه از
 شوروی تهیه شده بود و در زیر
 فرماندهی افسران و کارشناسان
 سان نظامی روسه بکار می
 افتاد.
 در اینجا آقای فارسی
 نه تنها به بهانه "مثال به مثل
 با آمریکا از حضور و رقابت
 ناوگان ها و هواپیماهای اسر
 قدرتها در منطقه، غلبه
 استقبال میکند، بلکه به حضور
 نظامی یک ابرقدرت به حای
 ابرقدرت دیگر در کشور ما خون
 آمد میگوید.
 آقای فارسی امروز
 از "مسئولان دولتی" میخواهد
 که برای مقابله با ابرقدرت
 آمریکا دست بدان ابرقدرت
 روسی نبود و از نمونه مصر
 عبدالناصر با کوبا پیروی کنند
 و به مردم بگویند که ما
 برای استکار به "رئیس جمهور
 نخست وزیر" و غیره فارسی اور
 بد، ولی سسکوبدای راه و روش

جسرمصر با عربی ریا "دولت
 کوچک کوبا" آورد؟
 مجهز شدن مصر در دوره
 عبدالناصر به موشک اندازهای
 شوروی نه تنها باعث شکست
 اسرائیل در جنگ اکتبر ۱۳۴۶
 نگشت، بلکه استقلال مصر را هم
 برپا داد و دولت مصر را به ابرت
 استعمارگران شرق و غرب در
 آورد. عبدالناصر میخواست با
 سلاحهای روسی به جنگ سلاحهای
 آمریکایی اسرائیل برود و در
 نتیجه بجای بیخ و متحد کردن
 مردم به سلاح ایمان و تکلیف
 بخود، ارتش مصر را به جنگ
 افزارها و کارشناسان شوروی
 وابسته کرد. ارتش مصر بدون
 سلاح های شوروی ویدکی های
 موردنیا ز آنها، و همچنین
 بدون حضور و اجازه کارشناسان
 شوروی، قادر به هیچ حرکتی
 نبود. اتکاء نا مر به چشیدن
 ارتشی باعث شده که با قطع
 صدور سلاح ویدک موردنیا ز از
 شوروی در جریان جنگ ۶ روزه
 و خرابکاری این کارشناسان
 سرباز اسرائیل گشت گشتی
 بخورد و بخش بزرگی از زمین
 خود را از دست بدهد. بیسلاوه
 عبدالناصر در برابر "خراب
 یا" اجازه "سلاحهای روسی
 ناچار شد منافع زیادی را برای
 ابرقدرت شوروی در صر فاشل
 شود و پیرفت اقتصادی و
 اجتماعی مصر را قربانی
 آزمندیهای استعماری و تاراج
 کربهای دولت شوروی بگردان
 ند. خط اتکاء بیک ابرقدرت
 در برابر ابرقدرت دیگر باعث
 شده که دولتمردان مصر در خط
 وابستگی به این نا ابر
 قدرت بنا نندیشد و دولت
 مجلس مصر به عرصه رقابت
 گروهندیهای وابسته
 با آن ابرقدرت تبدیل شود
 ریسروهای مثنی و مرغی
 سرکوب شوند. اردرون اس
 وضع بود که سادات بسسرون
 آمد، و اینبار به جای خط
 وابستگی به شرق خط وابستگی
 به غرب حاکم گشت. اکنون

آقای جلال الدین فارسی در
 همین خط می اندیشد و به بهانه
 مبارزه با غرب راه سازش
 وابستگی به شرق را توصیه می
 کند.
 اما نمونه کوبا از آنها
 بدتر است، زیرا آن سلاح هائی
 که فیدل کاسترو برای با صلاح
 مقابله با خطر و تهدید آمریکا از
 شوروی وارد کرد، تمام دستاورد
 ردهای انقلاب شکوهمندی را به
 با دفنا داد و کوبا را به یک
 پایگاه مستعمراتی ابرقدرت
 شوروی در آمریکای لاتین
 تبدیل کرد. ارتش کوبا کاملاً
 زیر فرمان دولت شوروی قرار
 گرفت و بسزودی بیک ارتش
 مستعمراتی تبدیل گشت. از آن
 پس هر جا و در هر کشوری که منافع
 ابرقدرت شوروی اقتضا میکرد
 و یا این منافع به خطر می افتاد
 سربازان کوبائی با بسد وارد
 میدان میشدند و نقش گشت
 دم توب را ایفاء میکردند. در
 همه لشکرکشی ها و تحسالات
 دولت شوروی در آفریقا و آسیا
 سربازان کوبائی با جانوش
 که خود را برای پیشبرد منافع
 این ابرقدرت به گشتن دهند
 و به سرکوب ملل مورد تجاوز
 طمع شوروی بپردازند. بعنوان
 مثال، هم اکنون سربازان
 کوبائی زیر فرماندهی افسران
 روسی در جنبه علیه جنب
 آزادیبخش اریتره و در آنکولا
 برای تحکیم سلطه ابرقدرت
 شوروی در این کشور، به اسفای
 نقش مستعمراتی خود مشغولند
 همانطور که انگلیسها در زمانی
 که هندوستان را مستعمره خود
 داشتند از سربازان هندی در
 جنگهای استعماری خود در آسیا
 و آفریقا استفاده میکردند.
 امروز هم روسها از سربازان
 کوبائی برای اسر کردن ملل
 آسیا و آفریقا استفاده میکنند
 و آنها را در راه مقاصد خود
 کشت میدهند. سلاوه سراتر
 وابستگی نظامی کوبا به اسر
 قدرت روس، استقلال کوبا در
 همه در صفحه ۵

پیرامون
 ...

بقیه از صفحه اول
 توطئه گرانده حزب جمهوری اسلامی در روز پنجشنبه ۲۷ آذر، رهبران حزب برای به اتهام زکشتن قدرت و تحمیل یک رژیم پلیسی بر کشور نگردیدگی زنده و این سا رکوشیدند تا با ابحسار دو درگیریهای مصنوعی با مجاهدین خلق و حمله به مراکز آنتیا به همان مقاصد خویش تا ثلش کرده اند. تلاش آنها این بود که با ایجاد ختن گروههای چاق قدر به جان مجاهدین خلق و سپس ایجاد محیط رعب و وحشت به کسک افراد صلح کننده ها و تنگی های حزب، مجاهدین خلق را به شانندان واکستن رودر، و درگیری وسیع در سطح شهر تحریک کنند، سپس تمام قدرت سرکوب دولت را با کیهان بکار انداخته و زمینه کودتای نامرئی خود را فراهم کنند.

استعاب مجاهدین خلق بعنوان آماج حمله به مسیله دلیل صورت گرفته است :
 ۱- دلیل اول این است که مجاهدین خلق در محاسبات رهبران جمهوری مسجد بررکتی برای رقیب سیاسی ایشان یعنی بنی صدر میبناشد، و در همین حال برای بنی صدر دشوار است که در شرایط یک درگیری وسیع با مجاهدین به حمایت علنی از این متحدین چه بود بریزد. این است که رتن مجاهدین از رهبران حزب جمهوری راه آمانتری بسرای حالی کردن زیربای رقیب

سیاستیان است .
 ۲- دلیل دوم اینست که است الله منتظری پس از ملاقات اخیر خود با امام ریس مدارا - جو یا نه ای در برابر مجاهدین خلق توسعه کرد و این موضوع پس از لغو هیماشی کذاشی و نقض برآب شدن توطئه حزب جمهوری برای غصب فرماندهی کل قوا پیش از پیش کران آمد . در نتیجه حزب در محاسبات

حاصمه توجه دارد، کا بلاوا فلسف بوده اند و متوجه شده بودند که این سازمان عمده توجه خود را معطوف کنیا کتن خود را حزب جمهوری کرده و سخلاره ارجالست استعمال چند ماهه خود بسرون آمده است . متاسفانه رهبران سازمان مجاهدین که به حبسش هیچ طبقه ای تکیه نمیکنند تمام مسائل جامعه را در تضاد منحصر بفرد خود با این حزب

توجه جولان میدادند، ابتدا در خیابان مازران و سپس در روزهای بعد در چند نقطه شهر - جمناق کشتی و جاد یکی ر سنی شیراندازی بسوی هوا داران پعا هدین بر خاسته و شهر را برای چند روز به آشوب گنا اندسند . طبیعا براه افتادن اسر دسته های ارتجاعی حما قدر از مراکز معینی هدایت میشود (حزب جمهوری اسلامی، حزب توده، بقایای ساواک و پاره ای تکیه ها و مساجد، که به پایگاه شوطه گران مشکوکی تبدیل شده اند) . عطیات شوروانه این نوع دستجات واحد شه آفرینی های آنها، که همه به خاطر انحراف اذهان عمومی از خطرات اصلی و تولید محیط رعب و وحشت و تفرقه و خرابکاری در جنبشهای مردم صورت می گیرد، همیشه در تاریخ گذشته ایران از مقدمات کودتای ارتجاعی و ضدملی بوده است . در زمان مصدق نیز اینگونه جمناق کشتی ها و عریبه کشتی های مستانه ای که تمام دفاع از مصدق یا کاشانی علیه اتحاد به ها و سازمانهای سیاسی صورت میگرفت از زمینه کودتای دادویا ایجاد تفرقه و انحراف و زد و خورد در درون جنبش و ایجاد خستگی و سرخوردگی در میان توده ها بزرگترین خدمت را به کودتای کران آمریکا شای و انگلیسی در ۲۸ مرداد ۳۲ کرد .

در روزهای کودتا معلوم شد که اغلب دستجات چاق قدر، که خصوصا از طرف حزب رحمیکسار بقاشی و گروه کاشانی هدایت می شدند، همدمان کودتا - جان و راهی و دربار بودند . امروز سرما متوجه می شویم که در پیشا پیش همسه خطرات بزرگی که انقلاب ما را در این دوا له شهید کرده است، هر دمه با نمونه ای ارا سنی مسه گریهای سیاسی برای به جان هم انداختن مسردم و بقیه در صفحه ۷

سئوالی از آقای جلال الدین فارسی

آقای جلال الدین فارسی از سیاست برداران حزب جمهوری اسلامی و از اعضای شورای "انقلاب فرهنگی" در سخنرانی خود در روز یکشنبه ۷ دیماه در میدان امام حسین تهران "از روحانی نماهایی " صحبت کرد که "در برابر روحانیت اصیل و متعهدهما نظور که در دربار ریزید و معاویه نیز روحانی نماهایی بودند که با دستگاه چا روحا کم آتزمان سازش کرده بودند" ، تراز گرفته اند .
 آقای فارسی نام این "روحانی نماها" را، که ما ننسند روحانی نماهای "در بار ریزید و معاویه" اندسند، ولی اشاره او به جریانات مشهود و صفاها که ما ملاروشن کرده بنظر او این روحانی نماها آقاییانی چون آیت الله لاهوتی و شیخ علی شهرانی هستند اکنون سوال مردم از ایشان این است : آیا منظور ایشان از دربار ریزید و معاویه دربار ربهلوی است، که امثال لاهوتی و شیخ علی شهرانی سالها در زندانهای آن اسیر و زیر شکنجه بودند؟ یا برعکس منظور ایشان از دربار ریزید و معاویه هممن پیشگاه خمینی است که امثال لاهوتی و شیخ علی سالها تمام آن به تبلیغ و مبارزه برداختند؟ زدو حال خارج نیست : با جلال الدین فارسی روحانیون اسیر زندانی دربار ربهلوی را ریزیدی و معاویسه ای میداند و آیا آنکه خمینی را ریزید و معاویه بحساب میآورد، بعبارت دیگر ایشان طرفداری از شاه میکنند .

با این نتیجه رسید که در صورت ایجاد درگیری با مجاهدین و کشتن آنها نیک زد و خورد خیابانی وسیع خواهد توانست امام و آیت الله منتظری را با ردیکر علیه مجاهدین سرر انگیزد و به قبول سیاست حزب در مجموع خود، یعنی سیاست انحصار تمام قدرت در دست خود و با نیت، منقا عد کرده .
 ۳- دلیل سوم اینست که رهبران حزب به این واقعیت گنسه سازمان مجاهدین خلق در این اوا هر کمتر به مسئله حبسک و تلفیق آن با مسائل دیگر

آنهم در معنای وسیع تر و یک بعدی (یعنی یکی قلمسداد کردن جریان خمینی و حزب جمهوری) خلاصه کرده اند، و در نتیجه حزب کذاشی کا ملابروی واگتنش قوری و وسیع ایشان حجاب مسکند و به کمک ساواکیها بوده آنها و دسته های چاق قدر و شور و برایشان دام مسی کسرا کنند .
 اینها دلایل بقیه مسی گرا به حزب جمهوری اسلامی در همه گذشته بود . دسته های چاق قدر او همیشه حزب، که در سن آنها عناصر و اکی و حزب

گوشه‌هایی از فعالیت کارگران پروفیل نیمه سبک

در جنگ تحمیلی

خبه‌فراگیرند، ولی بدون اراده هرگونه دلیل از اعزام آنها تا کنون خودداری نشده است. یک روز نیز در ناها ره‌خوی اعلام گردید که ۲۰ نفر به حصد اعزام می‌شوند و حتی این افراد هم انتخاب شدند، ولی از کسبل آنها به حصد خبری نشد. هم‌اکنون دانشکده افسری در باغ روبروی کارخانه (که متعلق به کارخانه مت‌شفا سمسات رزمی - نظامی خودراد است) قرار است و قرار است توسط افراد فوق به کلیه کارکنان آموزش نظامی داده شود.

کارگران یک روز حقوق خود در ماه را (بعدهت ۶ ماه) از مهرتا اسفند) به جنگ زدگان اختصاص دادند. امروز شور انقلابی کارگران بسیار بالاست، ولی از این شورا استفاده نمی‌شود و کوشش نمی‌گردد تا توان ذاتی آنها شکفتن کرده.



و دیگر نیروهای انقلابی گذارده می‌شود، مانع از شرکت داوطلبانه کارگران در جنگ شد.

اما کارگران از طریق دیگر خود را به حصد رسانند. ۱۵ نفر از کارگران منقضی خدمت سال ۵۶، همان روز اول خود را معرفی کردند و همگی به حصد اعزام شدند.

در اوائل آبان ماه، کارخانه پروفیل نیمه سبک اولین شهید خود در جنگ را داد. جنشید دیانت پور، کارگر قسمت تعمیرات جرثقیل کارخانه، که همراه سیخ به حصد اعزام شده بود در سهیل ذهاب به شهادت می‌رسد. (متاسفانه جنسید این شهید هرگز بدست نیا آمد) مراسم ختم از طرف ششورای کارخانه و خا تواداش سرگزار گردید. از این کارگر قهرمان که بیش از ۳۰ سال نداشت، همسر و سه فرزند باقی مانده است.

همچنین ۱۵ نفر از کارگران به دانشکده افسری برستاده شدند تا آموزش‌های لازم نظامی را برای اعزام به

در حصد های جنگ و دفاع از میهن و انقلاب خود بودند، ولی کن محدودیت‌های بسیاری که عملاً در مقابل پای کارگران

زمانی که جنگ آغاز شد، نیروهای انقلابی و امیری کارگران را فرا گرفت. عده زیادی خواستار شرکت مستقیم

فوتگران قهرمانی که در راه دفاع از انقلاب و میهن جان باختند

سال ۳۰ سال در صنعت نشت کار و مبارزه کرده بود. از خود ۱۰ فرزند بجای گذاشت و اهل ملامیرجها رحال بختیاری بود.

کارگر شهید با هر جلالی عرب بود و از خود ۷ فرزند بجای گذاشت.

شهید خان بابایی بندری کلی، همیشه میگفت "پیروزی با ما ست"، برستی که با وجود این چنین زحمتکشان قهرمانی پیروزی مسلماً با مردم دلیر ایران خواهد بود. ایستاد و نامشان جاودان باشد!

روز شنبه ۲۹ در ۱۳۵۹، ۲۰ فرزند کارگران قهرمان در نشت لبت تویبای حصد ارتش نزدور عرا و به شهادت رسیدند. این کارگران قهرمان هنگامی که متعول با حصد سگرسای ستونی برای مبارزین مدافع میهن و انقلاب بودند، در اثر امابت ترکش تویبای حصد حصد به شهادت می‌رسند. این کارگران شهید، با رد بکرمونه های با رزی ارزشمات، با ایادی و استقامت طبقه کارگر رادر دفاع از استقلال و آزادی میهن و کشورش و تعمیق انقلاب ایران را ظاهر ساختند. یادشان همیشه زنده باشد!



کارگر شهید خان بابایی بندری کلی هنگام شهادت ۵۳

های مقاومت "وظیفه اوله‌شان جمع آوری اطلاعات"، خبری و خلاصه کپی کردن همان کارهای ساواکی‌های سابق است. این "هسته‌های مقاومت" آنحضان دست چپ شده هستند که اعمال "انجمن اسلامی" را هم با بدنه "مشولین مربوطه" گزارش کنند تا اگر "خدای بنا کرده" در انجمن اسلامی هم مسلمانان "تا با می" پیدا اند، آنجا هم متعول حصد و بکریوسند "مشولین مربوطه" بود. اسم این "هسته‌ها" را با بدنه های فعال فعال مقاومت علیه سجداری و آگاهی کارگران سجدار هستند!

انجمن اسلامی صورت می‌گیرد و گزارش مربوطه مشولین مربوطه (به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی - ۶ دیماه ۱۳۵۹ - تا - کیدات از ماست.)

بنا بر این هدف و وظیفه اولیه "این" هسته‌های مقاومت "کنترل" مدیریت و شورا است. یعنی تشکیلی صلح در کارگاه خانه‌ها بوجود می‌آید که اعمال و عمل و استعالات "حیی شورا" های کارگری را بر سر بردارد و به "مشولین مربوطه" !! (که روش بنده است کمیست) گزارش میدهد. در حصد این "هسته

هسته‌های مقاومت

چنین توضیح می‌دهند: "هدف - این هسته‌ها بمنوان هسته‌های فعال مقاومت که حصد های متکنسی، سیاسی و نظامی را سرزد و ایستند سا وظایف زیری تشکیل می‌توانند.

۱- جمع آوری اطلاعات هر کارگاه به اعم از فعالیت و استعالات و اموری که حصد مدیریت شورا

و ایست به حزب جمهوری انقلابی است و کویا هدف ارتشکمل آن آماده ساختن کارگران ستراي مقابله با تجاوزات سیکا تکان بوده است. ولی در اطلاعاتی که در این سیمار خواهد شد، تا چیزی خلاف این امر را عمل متناهد می‌کنیم.

در این اطلاعات آمده است که گروهی بی نام "هسته‌های مقاومت" ساخته شده است و آگاه در باره "هدف" این هسته‌ها

آنها تیکه...

بفیه از صفحه ۲

همه جهات بر سر آمدن و کوبا شای
ها برای کوچکترین احتیاجات
بسی معطل غارتگران روسیه
با مظلوم سوسالستی شدند.
کوبا قبل از انقلاب خود تنها به
سولیدنکر خود منگی بود و از لحاظ
معنی و کثرت و رزنی کا ملامت
با نده بود. آمریکا همانطور که
جناب ایران را غارت میکرد و کوبا
کوبا را غارت میکرد و جلوسوی
بسرقت همه جا به صنعتی
و کثرت و رزنی کوبا را میگرفتند.
بسی از انقلاب کوبا تا چند سال
پیدا مانی در جهت رشد صنعتی
و کشاورزی کوبا قطع وابستگی
اینگاه به مدورنکر اقتصاد
نیک کالایی صورت میگرفت ولی
بسی از چندی دولت نوسیا دکوبا
ارتوس ابر قدرت آمریکا به
دامان ابر قدرت روسیه پناه
آورده و با ره روزا زینوشوروزی
ارسو در باره کوبا در حیط
راستی برار گرفت و در نتیجه
کوبا با زار مبرر شد صنعتی و
کثرت و رزنی مستقل و منگی بحود
مصرف نشود و تولید و صادرات
رکب اصلی انحصار دکوبا را
سنگیل داد امروز ایما دکوبا
سپاس و مرهنگ کوبا ارتش کوبا
و همه جرایب کشور کلا ملاوا بسته
به سوروی است و حکام ایس
کشور بدون اجازت ارمانان حواله
در مسکرات هم نمی حورند. این
است سرسخت انقلاب کشوری که
از انقلاب سوسیالی ابر قدرت نهها
و حثت گندوار رسم یکی بدامان
بیکری بگریزد.

اکسون آقای جلال الهی

فارسی سز میخواستند تا سلاب
انسان همان راه مصر با کوبا را
احسا رکند و به بها نه مقابله
با شهید و خطر یک ابر قدرت
دست بدامان ابر قدرت دیگر
نود یعنی خود را تسلیم زراد
خانه ها و کارشنانان دولست
شوروی کند. پیچیده نیست که
مزدوران وطنی ابر قدرت
روسیه ما شد حزب خائن شونده
برای او و همکارانش کف می
زنند و پیچیده نیست که حزب
توده مزدور شوروی و حزب مارک
سی ما آیت ها، خامنه ای ها و
سختی ها در همه جا دست در دست
هم دارند و مشترکاً علیه آزادی
و علیه استقلال کشور ما توطئه
میکنند. طبیعی است حزبی که
به مردم ایمان و اتکا ندارد
و مخالف آزادی و وحدت و
اینگاه رو آفرینندگی شونده ها
است. حزبی که مثال جلال
الدین فارسی و آیت هها و
بهشتی های "بدنیت" و توطئه
کره سران آن هستند، چاره ای
جز توسل حستن به قدرتهای
بزرگ ندارد. آنها برای
تحمیل مقاصد استبدادی و
انحصار طلبانه خود را چاره
تکیه بر منابع استعماری ابر
قدرتها هستند.

علاوه از همین جا معلوم
نشد که آن خطی که با جماع
"روحانیت منمهد" و "فلسف
لبسرا ل" و کذا به جنگ آزادی
میرود و برای دعوا بر سر
معاملات بهران بهای حصاد
تفرقه و فتنه و تداره کنشی در
خیابانها متوسل می کرده،
چنانچه ارکحاست و به کجا
میخواهد این کشور را سرد.

توضیح و تصحیح

در مقاله "تاریخ بزرگ ما
شهبان بزرگ" حقیقت شماره
۱۰۲ در صفحه دوم، سئوی چهارم
با راگراف دوم، جمله "... این
با سربا تا شد همی سروه های
دو آتش ... غلط باشی شده
که تا عرض پورش از خوانندگان
با این شرح تصحیح میشود:
"... این تاریخ ما تا شد همی
سروه های دو آتش ..."

وظیفه حزب جمهوری

بقیه از صفحه آخر

فان سازند، محسوسه جسدن
صغری کبری شده اند و طبق مسد.
روزیه لیبیرالسم بند کرده اند
توجه کنند:

"آزادی مطبوعات یکی
از جلوه های آزادی بیان
است و آزادی بیان از
متفرعات آزادی عقیده
است و آزادی با حقیق
ساختن سرنوشت یک
مجموعه حقوق است که با
همدیگر در ارتش سباط
هستند. (متوجه شدید؟ اگر
نشدید اشکالی ندارد!)
این حقوق در نظر مهیای
نکری مختلف معانی و
جایگاههای مختلف
دارند. لیبرالسم
آزادی، بیان و آزادی -
مطبوعات را به اعتدال
یک "حق" شروع میکند،
در واقع نظام حقوقی
لیبرالسم نظامی است
از حقوق و نه از وظایف.
در اسلام نظام حقوقی از
وظیفه شروع میکنند و به
حق میرسد... حق در نظام
اسلامی پاداش است گفته
انعام و وظیفه داده می
شود. از این جهت حقیق
بیان "حق" نگارش آزادی
مطبوعات به کسانسی
تعلق میگیرد که وظیفی
را انعام داده باشند."

(به نقل از کیهان - ۶
دیماه ۱۳۵۹).

البتة جا لاحتماً سز شده است.
جناب فارسی به لبرالسم بند
کرده است تا آزادی بیان و
تعبیه و مطبوعات... را کتمان
کند. جناب ایشان تا سب سازی
و سلب طه و معلوط کردن "وظیفه"
و "حق" یک آمده است و حقیق را
کسان می کند: آن کسی جو دارد
که وظیفه اش را انعام داده است -
شود "حق" پاداش... انحصار
وظیفه است. ولی حقیق این

البتة جا لاحتماً سز شده است.
جناب فارسی به لبرالسم بند
کرده است تا آزادی بیان و
تعبیه و مطبوعات... را کتمان
کند. جناب ایشان تا سب سازی
و سلب طه و معلوط کردن "وظیفه"
و "حق" یک آمده است و حقیق را
کسان می کند: آن کسی جو دارد
که وظیفه اش را انعام داده است -
شود "حق" پاداش... انحصار
وظیفه است. ولی حقیق این

کشف نیک دائرة المعارف

حزبی در تهران!!

سازگی فارورساعه، صح آزادگان " سرای " ره رهنم
 کورنی ارمانعین ، کونهای ازواصیت ندرکات خدایغلابی
 دارودسته های مسیدواستندبه حزب جمهوری را لوداده است ؛
 " این یک چشمه را منکوشیم تا سببه حساب خود را بکنند ،
 مراکز اطلاعاتی اسلامی بدقت همه چیز را تحت نظر
 دارد حواسیای حایمی روحایت هر کدام داسیره -
 المعارفی از اطلاعات سیاسی نظامی هستند " (صح
 آزادگان - ۲۱ آذر ۱۳۵۱ - ساکیدا زمانست)
 احیایکی ازاسی " نوانسهای حایمی " ویکی از ایسی
 " دائره المعارف " های " سیاسی - نظامی " واقع در خیابان
 بیان کرکان شهران کشف شد !! و تا آن طرف " مقامات مسئول
 ماستمالی کردید ، به تبیین حیرتو حه کسید .

توضیح در مورد کشف اسلحه و مهمات از یک خانه واقع در خیابان گرگان

به اداره روابط عمومی شهرتاسی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ
 خبر مربوط به کشف مخداری اسلحه و مهمات از یک خانه واقع در
 خیابان گرگان توسط مأمورین کلانتری ۶ تهران، در شماره ۶۶ مورخ
 دهم آذرماه در روزنامه میزان طی نامه ای توضیحاتی در شرح داد،
 است:

۱- اطلاع واسلامه به عوامل تنعمسی کلانتری ۶ یسایس شهران
 حاگوست در سزل شخصی بنام علی کسر مانهی واقع در خیابان
 گرگان اسلحه و مهمات وجود دارد. مسامرین تنعمسی ساسکسی
 نمایندگی از داد سرای تهران میادرت سه سازوسی منزل تنعمسی
 در حین بازرسی تعدادی اسلحه و مهمات کشف میگردد.
 در حلال بازرسی ساکنین منزل از بیان شغل و محل کار ایشان اظهار
 بی اطلاعی می نمایند.

۲- بر اثر نامه شماره ۱۱۶۵۴ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
 ایران، آقای علی اکبر صابری عضو سابق کمیته منطقه لایسنه به
 کشفه مرکزی بوده و در حال حاضر عضو سپاه پاسداران انقلاب
 اسلامی و مشغول خدمت می باشد.

۳- پاسنگاد نامه بازرسی کمیته مرکزی اسلحه و مهمات مگشوفه
 دلاری مجوز قانونی جعل بودیاست.
 کتب اداره روابط عمومی - سرخک دواشتری

بی اس اس توضیح " کمیته مرکزی " ، هوزرای مسا
 " اسها ماتی " موجود میباشند .
 ۱- اکرایس " دائره المعارف " سازحزواسداران
 است ، حیرا اسلحه او را در پاسدارخانه نگاه میدارد ؟
 ۲- سجه دلیل این اسلحه ها و مهمات " محار " در خانه
 شخصی فرد مرسور " خاساری " شده بود در پاسدارخانه
 نگاهداری نمید ؟ نکندخانه مرسور ، یک خانه
 " امن " بوده است و یاسک کنا خانه اسلامی دراصل
 حفظ " دائره المعارف های " سزار ؟!
 ۳- این حوزع " ساداری " است که اعصاب خاسواده و
 محل سکونت وی ارتشعل و نام وی اظهاررسی -
 اطلاعاتی نمیکند ؟! بکنند سار " محفی " است تا که
 " مرسی " است !!

اگر گفتید...؟!!

احسرا ضهر لاهجان بدست افراد مینشه گری چون کریمی
 " دایستان انقلاب !! کیلان وفرماندار لاهجان) وقریاسی
 (حاکم شرع کیلان) وایادیهان سداشوب کشنده شدو حفا قداران
 تحت رهبری این آبادی حزب جمهوری به نیروهای مترقی، سه
 گنا بفروشی ها و . . . حمله کردند .
 یکی از نیروهای سیاسی در " استناد " به این عملیات
 آسایان این چنین نگاشته است ؛
 " زمانیکه حجت الاسلام خا منه ای امام جمعه " شیسران
 در نماز جمعه با مسیح رحمتگشان مبارزه خدا میریالیسی
 را تنعمی مینشد و بعدا عملا " روحه مقبومت نموده هسا
 جهت معالیه با امیربالیسم آمریکا ورزیم ضد مردمی عراق
 را دارد .
 زمانیکه حجت الاسلام رستمخانی ماسفر خود به کشور هسای
 حسه " مابداوی در جهت وحدت دولت های مترقی جهسان
 می کوشد .
 زمانیکه نمای می نیروهای خط امام در جهت بیوتنه ساسا
 دولت های مترقی وندا نبریا نسبت منطقه وجهان تسلاتش
 میکنند .
 زمانیکه ساسا بندگان خدا میریالیست مجلس و حجت الاسلام
 رستمخانی در یافت کمک نظامی از کشورهای دوست
 انقلاب ایران را طرح مینمایند ، حریاسی در منطقه
 کیلان که در رأس آن قریاسی و کریمی قرار دارند ساساتی
 معالیه این نیروهای خط امام را در این شرایط حاس
 درسی میکنند . آسان حتی در راه ساساتی ۱۲ آسان
 و مراسم برکداشت مسرا کوچک خان در نلو بیوزیون کیلان ،
 شوروی را به عنوان دشمن اصلی بلحاد میکنند .
 آیا نیروهای مترقی خدا میریالیست جمهوری اسلامی
 این را میگویند ؟!
 خدا اصحاب به سیدبازی محبرالفعولی هست تا با حس
 و بازرسیدانه ، آهانان در لاهجان را به دفاع ارتشوری بدل
 کرد ، ولی این " نیروی سیاسی " این کار را کرده است
 و در حین آن رهبران اصلی همان " قریاسی و کریمی " معنی
 خاسه ای و رستمخانی و امثالهم را به سپاه " خدا میریالیست
 های دوانسه معرفی میکند . در حقیقت " استناد " این نیروی
 سیاسی به کریمی و قریاسی ایست که جرائم شوروی در حق داده -
 اند ، ضمیم و سسی !
 حالا اگر گفتید ، این نیروی سیاسی کیست ؟
 جواب در صفحه دیگر

ارگان
 انتشاریه گتهونیمتهای ایران
 را بخوانید و در میان مردم پخش کنید



پیرامون ...

بفکرهای سیاسی و احکامات
 احزاب دهن رو برو بوده ام
 در همه این دفعات نقش اصلی
 را حزب جمهوری اسلامی و سران
 و طوفانگران ایفا کرده اند.
 در آستانه نجات و نجات می آمریکا
 در طبع جریان دانستگان هیا و
 کسب روحیانه ها دانشجویان
 بی آمد. در آستانه اجرای
 نوظهور کودتای کشف شده ۱۸ شش
 رد و خورد وسیع با دکه داران و
 فضا دعوا بر مرحاب سازمان
 داده اند. حملات هوایی ناگهانی
 رژیم عراق و کمترین تجاوز
 ریمبی آن در زمانی آغاز گشت
 که بر سر مدارس جنرال بزرگی
 سازمان داده شده بود و سران
 حزب جمهوری نقش گشت و کشتار
 ریکسرو بیتد در مدارس را میسی
 کسیدند. اکنون هم ما متوجه
 ستوریم که نهادهای دولست
 آمریکا برای کریس به جزیره
 و سلواکری های "خلی سلیمان"
 و طرفداران شریعتمداری در
 سرسز و حملات ناگهانی حزب
 دمکرات به ارومیه و مباد و آب
 در حالیکه هنوز جنگ ما با
 معاوریس عراقی ادامه دارد.
 با همه کربهای حزب کدانی در
 تهران و پسرانها و همسوم
 ناگهانی حامی داران و افراد
 کشته های حزب به مراکز مجاهد
 هندی طوق همزمان صورت می
 گسرد.

اسی و امضا بس لسلرولم
 ما روزه با طغ با عامل اعلی
 حاسی اس حوادت ما حرابی
 پس از هر جریان دیگری به

بفکرهای کودتا و نجات و وجود
 میگرد. بعضی حزب جمهوری
 اسلامی گویند میگرد. لکن
 با ندنه ما را میبایستی که آماج
 نداد رفتنی ها و نوظطنه های اس
 حزب مسند هتد ارداد که موافق
 باشد و حساب و سون در نظر
 گرفتنی اوعاع در مجموع سد ام
 این حزب و همدستان ساواکی
 و نوده ای آن نیفتند. و در همه
 حال منگی به جنبش بوده هیا و
 سادی وحدت وجهت اظنی سرود
 عمومی مردم باشد و زمسان و
 شکل مبارزه را خودشان تعیین
 کنند.

ما ارکان و کران ایران در
 همه جا میخواهیم که صدای
 اعتراض خود را علیه فتنه کریبیا
 و آدم کشی های این حزب خراب
 کار و مستبدیندن کنند. و همیشه
 مردم را از تلاشهایی که سران
 این حزب برای به انحسراف
 کشاندن ذهن مردم از جنبش
 عادلانه ای که ملت با
 تاج و زکاران عراقی داشته و از
 خطر توطئه های امپریالیسم
 بر خرد دارند. هیچ جریسان
 سیاسی و طبقه و قشری. هر چند هم
 ملی و آزاد میخواه. ما نند طبقه
 کار کردارای عزیم و اراده
 و قدرت و امکان مقابله با این
 کونه قلد ریبها. فتنه ساز بیها و
 نا زیبای سیاسی احزاب توطئه
 گروهیانت پینه نمیباشد.
 کارگران با بدیا پیتی بکدارند
 و ما بدور نطقنا مدها. برکزاری
 اجتماعات و تکلیهای مختلف
 سان اراده. جوش. مردم زا
 به حفظ وحدت خود در شراسر
 ابر در دنیا و نجات و ریکساران
 مزدور صدای. و بیکیسری
 در مبارزه. منجده سرای حفظ
 و کسرس آزادی و سرباد اخص
 کسانی که مدعای جنگ ما
 عراق به حک ما مردم میسی
 سردارند. فرا حواسید.

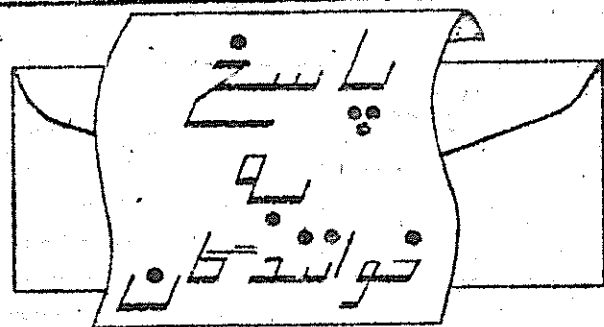
سیمنا و رائه . . .

بفکرهای سیاسی و احکامات
 احزاب دهن رو برو بوده ام
 در همه این دفعات نقش اصلی
 را حزب جمهوری اسلامی و سران
 و طوفانگران ایفا کرده اند.
 در آستانه نجات و نجات می آمریکا
 در طبع جریان دانستگان هیا و
 کسب روحیانه ها دانشجویان
 بی آمد. در آستانه اجرای
 نوظهور کودتای کشف شده ۱۸ شش
 رد و خورد وسیع با دکه داران و
 فضا دعوا بر مرحاب سازمان
 داده اند. حملات هوایی ناگهانی
 رژیم عراق و کمترین تجاوز
 ریمبی آن در زمانی آغاز گشت
 که بر سر مدارس جنرال بزرگی
 سازمان داده شده بود و سران
 حزب جمهوری نقش گشت و کشتار
 ریکسرو بیتد در مدارس را میسی
 کسیدند. اکنون هم ما متوجه
 ستوریم که نهادهای دولست
 آمریکا برای کریس به جزیره
 و سلواکری های "خلی سلیمان"
 و طرفداران شریعتمداری در
 سرسز و حملات ناگهانی حزب
 دمکرات به ارومیه و مباد و آب
 در حالیکه هنوز جنگ ما با
 معاوریس عراقی ادامه دارد.
 با همه کربهای حزب کدانی در
 تهران و پسرانها و همسوم
 ناگهانی حامی داران و افراد
 کشته های حزب به مراکز مجاهد
 هندی طوق همزمان صورت می
 گسرد.

بفکرهای کودتا و نجات و وجود
 میگرد. بعضی حزب جمهوری
 اسلامی گویند میگرد. لکن
 با ندنه ما را میبایستی که آماج
 نداد رفتنی ها و نوظطنه های اس
 حزب مسند هتد ارداد که موافق
 باشد و حساب و سون در نظر
 گرفتنی اوعاع در مجموع سد ام
 این حزب و همدستان ساواکی
 و نوده ای آن نیفتند. و در همه
 حال منگی به جنبش بوده هیا و
 سادی وحدت وجهت اظنی سرود
 عمومی مردم باشد و زمسان و
 شکل مبارزه را خودشان تعیین
 کنند.

بفکرهای کودتا و نجات و وجود
 میگرد. بعضی حزب جمهوری
 اسلامی گویند میگرد. لکن
 با ندنه ما را میبایستی که آماج
 نداد رفتنی ها و نوظطنه های اس
 حزب مسند هتد ارداد که موافق
 باشد و حساب و سون در نظر
 گرفتنی اوعاع در مجموع سد ام
 این حزب و همدستان ساواکی
 و نوده ای آن نیفتند. و در همه
 حال منگی به جنبش بوده هیا و
 سادی وحدت وجهت اظنی سرود
 عمومی مردم باشد و زمسان و
 شکل مبارزه را خودشان تعیین
 کنند.

بفکرهای کودتا و نجات و وجود
 میگرد. بعضی حزب جمهوری
 اسلامی گویند میگرد. لکن
 با ندنه ما را میبایستی که آماج
 نداد رفتنی ها و نوظطنه های اس
 حزب مسند هتد ارداد که موافق
 باشد و حساب و سون در نظر
 گرفتنی اوعاع در مجموع سد ام
 این حزب و همدستان ساواکی
 و نوده ای آن نیفتند. و در همه
 حال منگی به جنبش بوده هیا و
 سادی وحدت وجهت اظنی سرود
 عمومی مردم باشد و زمسان و
 شکل مبارزه را خودشان تعیین
 کنند.



یکی از مناطقی دستخوشی
 برآمده است :

۱- جوامع کوشم رهبری
 حرب جمهوری ارتجاعی است ؟
 پایه طبقاتی آن چیست ؟
 ۲- رابطه پایه اقتصادی
 و سیاستهاست استدلالهاست
 آن چیست ؟
 ۳- دفاع حزب از جریا -
 سیاسی از قبیل اشغال سفارت -
 راجعاً به توضیح داد ؟
 ۴- پاسخ : بر مبنای و پاسخ
 به دو سوال اول را خصوصاً در
 مقاله "حزب جمهوری اسلامی
 و لزوم مبارزه با آن"، "حقیقت"
 شماره ۹۰ (۲۱ شهریور ۱۳۵۹) می
 خوانید بسیار است. همچنین پاسخ
 سوال سوم نیز در مقاله‌ای که
 در پی اشغال لانه خاوسی آمری -
 سکا در تهران در بحث با انحراف
 کاران جپ اینتنا ریافت داده
 شده است.
 بطور کلی رهبری حزب
 ما نیز در ارتجاعی است زیرا :
 ۱- از لحاظ اقتصادی است
 اجتماعی مدافع مناسبات
 و این ماسده و مدبری حاکم در
 جامعه، یعنی مناسبات نیمه
 فئودالی و مالکیت های نیمه
 فئودالی ارضی در روستاها و
 سرمایه دلالی و غیرمولد
 انحصارگران در شهرها می باشد
 میگویند سرمایه داری دیوانه -
 لارانه (انحصاری دولتی) را
 که دارای حلیگی کمبراد دور
 نتواندالی است. ماسلطت سر
 دارائی ها و موسسات و عرصه های
 معاملاتی سرمایه داری در آن
 دیوانسالارانی (یعنی دربار
 و همپا لکی های دربار) بدون
 ایجاد هیچ منبر مهمی در آنها
 و برپال می. حاکم ۲- از
 لحاظ سیاسی مدافع استبداد
 و حکومت مطلقه است. یعنی ما
 هر نوع رژیم دموکراسی سیر

مقاله - "حقیقت" - شماره ۹۰
 اما دفاع حرب و در واقع
 دارو دسته های ارتجاعی و است
 به ناصری چون سوسی. آست
 و سرکار ارتجاعیانی از قبیل
 اشغال لانه خاوسی آمریکایی
 زاویه، رماست تا گروهیندسهای
 دیگر حاکمه (احصای لسمرال
 سنی مدری و غیره) و برای جلب
 توجهی خردمپور زواری و عناصر
 سیاسی و مذهبی و استمه آنها
 در این رفتار حکومتی صورت
 بگیرد، وجهه، سود حواسه و
 کفرا دارد. چنانکه خود مداران
 این حربان سرخلاف برجسی
 شایعات احمق و سبج رومینگر
 و متون جریایی ماسدا اشغال
 لانه خاوسی نمودند. بلکه همه
 فکرو دگرگان منوجه به احصای
 کشیدن آن، تسدیل آن به -
 سعی از مساقبات سیاسی خود -
 شان و بعد هم سهم آوردن - سرو
 ته آن بود. چنانکه اکسون
 ملاحظه میکنید !
 دیگری طی نامه ای نوشته
 است که :
 "در اکثر ماس تحلیلها
 (در شماره "حقیقت") از جنبه
 آورده شده است که اس حسیک
 سن ایران از یکطرف و میردوران
 یعنی و امیرالستنها از طرف
 دیگر است. ایران یعنی چه ؟
 طبقاتی جز آسراسی سگاسم.
 این "ایران" جای برای برپاست
 های مختلف در همه جا مسکدار -
 سالخره اس جنگ از طرف ایران
 چه طنائی در آن حای دارم ؟
 ماسیسج : در اس جنگ در
 یکطرف ملت ایران است که از
 آزادی و استقلال وحی حاکمیت
 خود دفاع میکند و در طرف دیگر
 رژیم سگ کسور خارجی است که
 به حرکت و سمسای امیرا -
 لسمپاسراس ملت مطنه ورده
 است. در اس جنگ آنچه در در
 حواس امیرالستنها و میردوران
 سنی است سرکوب اعلا و سنی
 استقلال اس ملت ااراه مامص
 ملت سسقم خودمان بیکسور
 ستمودسان سنی اسیران -
 سینه در محسب ۱۳

سپرداشته و به احصا رسد درت
 توسط یک دارو دسته و ماس
 حاکمیت مطلق آن در حیا روجوب
 یک نظام بورژوا - ملاکسی
 کرایش دارد یعنی تسلط
 دارد همان نظام سیاسی گذشته
 (زمان شاه معدوم) را در برده
 نویی (پرویدمین) احیا کند -
 ۳- از لحاظ فرهنگی مدافع
 شکلی از فرهنگ فئودالیسی و
 اقشار عقب مانده، بورژوازی
 است. ۴- از لحاظ مناسبات
 بین الملل، کرایش به تکیه
 بر قدرتهای بزرگ و سرانجام
 تسلیم در برابر آنها را دارد.
 چنانکه منافع اقتصادی
 اجتماعی آن بدوجه یکدکترین
 میاید، و تلاش آن برای تحمیل
 استبداد و دیکتاتوری تک حزبی
 بورژوا - فئودالی، چنین حکم
 میکنند.
 پایه طبقاتی این حرب -
 یا از فئو رفوقانی تخار، واسطه
 ها و دلالان بازار، ملاکان و رو -
 جانیون وابسته به آنها میباشد.
 به عبارت دیگر آن بخشهای غیر
 مولد بورژوازی که ستمگریس
 سود را در این دیوانه ااراه
 جاییدن مردم برده و تاسلطت
 بر سگ سوزج و معاملات بخاری
 و دس استاری بر سرحی عرصه های
 جدیدی که ماس قبل اراسس در
 دست نتواندال - کمبراد دورضای
 وابسته به دربار ستمگر بوده،
 به مویخت مزاری رسده است،
 جریا به طبقاتی اس حربان
 سسند. همچنین اس حربان در
 ماس ملاکان و معارعا حسب
 رمس، آن معنائی که اسس
 راهی بین اراخلاب سسس
 آورده و سگمک روحانیون سس
 کسده ها و عبات مصلطه است.
 ماسه دارد دست استاری آنها

بر ماسات وارگان قدرت حاکمه
 و در نتیجه بر ماسه ها، موسسات
 انحصاری دولتی و معاملاتی
 که ماس کنون در دست بورژوا -
 مینودالنها و دلالان بزرگ وابسته
 سابق بوده است، آنها را بسنه
 زمینه، تشکیل ارتجاع جدید در
 چارچوب رژیم جمهوری کنونی
 تبدیل کرده است. این گروه -
 بسدی در حال شکل گیری جدید
 در حالیکه ماس مردم شفا داره ماس
 سایر گروهیندسهای بورژوا -
 ملاکی نیز شفا دارد، و بسدون
 سگ در صورت تصرف تمامی قدرت
 در دست خود خطا نل با رز حکومت
 استبدادی و مطلقه گذشتند را به
 شکل جدیدی حاکم خواهد کرد.
 رابطه پایه اقتصادی
 و سیاستهای مستبدانه اس
 جریا در اس است که خطیست
 انکلی و غیر مولد و عقب مانده
 آنها در اقتصاد استبداد و
 فعال ماس شای در ساس سس ماس
 ملازم دارد. حرکت اقتصادی
 آنها ماسی در برابر رشد آزاد
 سرمایه داری ملی اس و در
 سسده ماس دموکراسی نور زوانی
 و بطریق اولی ماس سسوع
 دموکراسی معالفاست. کرایش
 آنها به احصا راسسادی
 ملسس سرمایه داری انحصاری
 با قدرت دولتی سرمایه داری
 دیوانسالارانه، ماسای کرایش
 آنها به احصا راساسی سسسی
 اسسداد است.
 ماس در سسرسی اسس
 هر اس ارتجاعی و مذهبی
 حربی ماس اس حربسان و
 جریا ماس سسوسان و خرده سوز
 زوانی سیاسی - مذهبی از جمله
 سس و گروه دیگر از روحان
 سس و اسس سسوی سس سسارت
 گذارد سگه گسده سسسان

فدائی ...

بفیه از صفحه آخر همه میدانند که در دعوی بی بی بنی مروت حزب جمهوری، عده ای از روحانیون به جانب داری از بنی مروت برخاسته اند. کسانی که در دوره اخیر فعالانه در مخالفت با حزب جمهوری و در دفاع از بنی مروت تبلیغات و سخن رانی گذاشته اند و حوادثی چون مشهد و امفیان در کناره رخنه رانی های آنان بوجود آمده، امثال لاهوتی و شیخ علی تهرانی بوده اند. هیچ نیرویی ایسین روحانیون را "مرتجع" که منی دانده هیچ، آنها را روحانیون دمکرات منشی نیز می شناسند. ولی "اکثریتی" ها از زیبایی من در آوردی دیگری دارند (البته زیاده م). من در آوردی نیست، بهتر است بگوئیم "حزب جمهوری در آوردی" است :

اخیراً عناصر و نیروی هابی که در مخالفتشان بسیار پیشرفت انقلاب هیچ تردید نیست، تحت حمایت عده ای از روحانیون مرتجع که همیشه به طرفداری از سرمایه داران بزرگ و لیبرالها و فئودالها مشهور بوده اند و هستند ... در امفیان و قم و مشهد دست به راهبیماشی و تظاهرات ... زده اند... (تا گیدات از ما ست) آیا جداً امثال لاهوتی و شیخ تهرانی "مرتجع" بوده و به طرفداری از سرمایه داران بزرگ و لیبرالها و فئودالها شهرت دارند و امثال بهشتی ... خانه ای، باهرو آید و ...

"افلاسی" میباشند و به "طرف داری" ارکان و گران و رادیکالها و دهقانان "مشهورند"!! قلمه و اعمیات و حقایق تا به کجا؟ چه مایس در مقابل اشرا و حزب جمهوری تا به کجا؟

به نمونه ای دیگر از نسا ما دی بودن در ماجراهای تاریخی و نتیجه گیریهای دلخواهسی آقایان توجه کنید :

"آن روزی که آقای رفسنجانی نام مسعود را از لیست کاندیداهای ریاست جمهوری حذف کرد و 'ملاحیت' تیسار مدنی را برای کاندیداتوری ریاست جمهوری مورد تأیید قرار داد، مرا - حتی اعلام کردیم که این کار این توهم را پیش خواهد آورد که گویا مدنی ها از مسعود رجوی ها به ما م نزدیک ترند."

گفتیم که در مقابل تاریخ باید صادق بود! اولاً دعوی حذف نام مسعود رجوی از لیست کاندیداهای ریاست جمهوری، بلکه شخص امام خمینی صادر کرد (امیدواریم فراموش نکرده باشید)، اگرچه این امر بیشتر به تحریک فتنه گران حزب جمهوری، یعنی همین "آقای رفسنجانی" و شرکاء صورت پذیرفت. و ثانیا آیا این افسر فقط این "توهم" را بوجود آورد که گویا "مدنی ها از رجوی ها به ما م نزدیک ترند"، آیا در شما این "توهم" واقعی را بوجود می آورد که سران حزب جمهوری خود را به تیسار مدنی ها نزدیک تر احساس میکنند تا به مسعود رجوی ها؟ آیا همین خاطر هم است که توطئه گساران کودتاچی چون آیت و شرکاء در آن حزب کذایی مشغول هستند و چیزی و توطئه جینی هستند (سر علیه همین مسعود رجوی ها) و ما و اکی ها با کمویت در آن حزب به نمایندگی مجلس هم رسیده اند؟

"اکثریتی" ها سرای ایسکاتگ "لیبرال" نبودن

را به ما هدین سچما شد. سر را لایمه سچا هدین در مسعود دستگیری دنگ راه دو سچسون سیاه کرده اند و سپس می پرسند: "سیاست درست آن بود که شما حراحتاً اعلام می کردید که این یک جامعه است که اشخاص معلوم الحالی چون قطب زاده فرصت یابند از شبکه تلویزیونی ... لحن برانگی کند... اما فداشیان و مجاهدین و دیگر نیروهای غذا مبریا لیست و انقلابی، با مدها شهبند گلوگون کفن ... نه تنها اجازه حرف زدن با مسردم زحمتکش را از رادیو و تلوو- یزیون نداشته باشند، بلکه گوش شود که حتی حق جنگیدن علیه رژیم جنایتکار صدام را هم در شهر محاصره شده آبادان از آنان بگیرند."

"اکثریتی" ها از مجاهدین طلب "مراحت" میکنند. ولی چرا "اکثریتی" ها خود بسیار راحت اعلام نمیکنند آن کسی که چمک خروج نیروهای انقلابی را از آبادان صادر کرد، یکی از همین نوجه های حزب جمهوری بود، چرا خودشان با مراحت نمیگویند که حکم اعدام دکتسر تریمینا را یکی از سران همین حزب جمهوری، همین روحانیون با اصطلاح "فدا مبریا لیست" حزب جمهوری صادر کرد؟ چرا در مبارزه با حزب جمهوری مراحت ندارند؟

"اکثریتی" ها سرای "موجه" جلوه دادن مراحت و نقطه نظرات خود به قلب مدیعی ترین واقعیات و حقایق برداخته اند. لنین خوب گفته که "پورتون نیست ها حتی مدیعی ترین قیامی های هندسی را میسر - اگر ستمشان نشاند - منکسر میشوند."

نقش مبارزه برای آزادی

"اکثریتی" ها در این

نامه کذایی محوسی سچا داده اند که چگونه برای بدست آوردن دل بار - یعنی حزب جمهوری - حاضر شده اند. آزادی - هابی را که مردم انقلاب جو - نیز آنان بدست آورده اند، لگد مال کنند.

"اکثریتی" ها در اساط با حوادث اهر در مدارس و اعلام اینکه مدارس عمده زده مسورد بین انجمن های اسلامی (طرف داران حزب جمهوری) و انجمن های دانش آموزان مسلمان (هواداران مجاهدین) بوده است، به مجاهدین خورده می - گیرند که :

این فکرا شناسه است که در شرایط فعلی سا دعوا کردن بر سر حق نصب اعلامیه، آزادیهای دمکراتیک در مدارس تا مین میشود. "اکثریتی" ها موضوع

مبارزه در مدارس را چه ساده متبدل میکنند و آن - دعوا بر سر حق نصب اعلامیه "خطاب میکنند" (اگرچه همین امر نشانه ندهنده زورگویی هابی مفرط یا دوهای حزب جمهوری در مدارس است) . موضوع مبارزه در مدارس عبارتست از مبارزه برای آزادی عقاید، آزادی بیان، مبارزه سچا شفتیش عقاید و سیستم پلیسی که حزب جمهوری تا آن مسئولین امور تربیتی راه انداخته است و نه "دعوا بر سر حق نصب اعلامیه" ! "اکثریتی" ها ایس مبارزه را این چنین به لوت می کشند و میگویند "آزادیهای دمکراتیک" این چنین تا مین نمی شود. پس چگونه تا مین میشود؟ توهه گنید به سچره کویی و سچره اراده سچهای فدا افلاسی :

"آزادی سیاسی در مدها رس از آزادی سیاسی در سطح حاکمه حاکمیت. و گد سرش عنون و آزادی های سیاسی در حاکمه سر به کشتن و نکامل مبارزه طبقاتی و به سچیه در صفحه ۳

فدائی ...

بقیه از صفحه ۹
 ارزیابی درست ما (!!) از اوضاع و احوال و انعقاد روشها و تاکتیکهای مناسب در هر موقعیت مستغنی دارد. امروز کار سردر زور و استفاده از روشهای خشونت آمیز برای تامین حقوق و آزادیهای سیاسی فضای دموکراتیک را در جامعه ما تخریب می کند و به زیان نیروهای مبارز و انقلابی تمام میشود. آیا اکنون زمان آن نیست که با تمام توان بکوشیم تا در مدرسه و کارخانه، در خانه و محله جلوی هرگونه تشنج و درگیری را که زمینه ساز آن با مرتجعین فدائیست است هستند و با عناصرنا آکنده مریب حورده، بکیریم؟

"اکثریتی" ها آزادی ردمدارس را به آزادی در جامعه حوالیسه میدهند. (توکویی مدارس جبری جدای از جامعه هستند) و بعد در مورد آزادی در جامعه لفت بر اکی کرده و کسوف آن را ختی به "ارزیابی ایشان" از اوضاع جامعه تیر مروط می دانند. بیس بدون پاسخگویی به چگونگی تامین آزادی ها در جامعه، تلویحا مجاهدین را به افتخار درویشهای خونت آمیز و استفاده از زور مسلح میکسند و آنها را به تحریک فضای دملو کراتیک جامعه محکوم میکنند. در آنهم اعلام آتش بس در مقابل رورگویی های حزب جمهوری می نشاند و دستور رفع هرگونه تشنج در کارخانه و مدرسه

و جامعه (!) و محله را میدهد. سالخره معلوم نمی شود برای تا بس آزادیهای سیاسی در سطح مدارس با جامعه ما بید کرد!!

"اکثریتی" ها در مقابل رورگویی های حزب جمهوری آن چنان جبهه بر میهن ساخته اند که با لخره آشکارا مسئولیت عمده درگیریهای چندین هفته گذشته را به کردن مجاهدین می اندازند:

"... با بید فیول کنیکه در تشنجات اخیر مسئولیت های عمده ای بی پاسخ مانده است. قبول کنیکه جنت از شما انتظار دیگری ندارد... (تاکید از ماست) و مجاهدین را محکوم به انعقاد روشهای مخرب تر و نادرست تر از حزب جمهوری مینماید (که گویا در حزب جمهوری در روش نادرست است) :

"وقتی یک یا چند تشنه از تیر و تازی خلق روشن های غلط و مخرب و بی انضباط افکنانه ای را در پیش گیرند، آیا سایر نیروها مجازند به خاطر مقابله با ایس روشها به روشهای نادرست تر توسل جویند؟" (تاکید از ماست)

جداً حزب جمهوری هرگز نمی توانست این چنین تشنج ریکد، "دوستانه" و "رفیقا نه" این شهمنی را که ما همامت میخواستیم مجاهدین بچسانند - یعنی مشول عمده درگیریها و تشنجات - را به آنها بماند!! "اکثریتی" ها جقدر "زیبا" و "رفیقانه" ایس وطیفه حزب جمهوری را انحام داده اند. جقدر "زیبا" و ما هراته منسه گران حزب جمهوری را از انحصار طلبی - تمسگری و بلوا افروشی سرساخته اند، و جقدر "زیبا" بیارره برای آزادی را به طاق نیسان گسوسیده اند!!

صف بندیهای

که اکثریتی ها هم تبلیغ می کنند؟

مدتهاست که حزب جمهوری (و ایما حزب توده) برای پیشبرد منافص خود مویب دست به تبلیغ صف بندیهای معیسی در سطح جامعه زده است. آنها این چنین تبلیغ میکنند که گویا دعوی اصلی جامعه بیسن گروه لیبرالها از یکسو و خط امامی" ها از سوی دیگر است. بزعم ایشان لیبرالها نخست لوی آزادیخواهی، میخواستند. هندا میریالیسم را دوباره به ایران برگردانند. ولی "خط امامی" ها که حزب جمهوری اسلامی هم گویا نیروی اصلی تشنست، مبارزین قاطع "فدائیست" لیست!! هستند، آنها تبلیغ میکنند که همه نیروها و همه مردم با بیدرزیر عسری این حزب کداسی باشند، و در غیر این صورت با لیبرالها هستند و عملا زیر پرچم آمریکا!! آنها را به سوی برای مردم باقی نگذاشته اند. آنها که از شریکترین و ضد دموکراتیک ترین نیروها هستند، هرگونه فریاد آزادیخواهانهای را به سینه اش، اینکد این "هدای آمریکا"!! است در کلوظه میکنند تا پایه های حکومت مستبدانه، رستکی به قدرتها بزرگ خود را دور زبر برده، دین محکم سازند، حزب توده را همان اسدا برای این دسته شریک رفردو همین مضمون را به شیوه ای "شوریکد" در میان مردم و "چی" های دروغینی چون "اکثریتی" تبلیغ نمود.

حالا هم "اکثریتی" ها همان اراخف و عیس صف بندیها را تبلیغ میکنند و می خواهند بجا هدین هم باشد خودشان در ربر رژیم حزب جمهوری سینه بوسند. برای همین هم ایک "لیبرال" بودن را به مجاهدین می چسانند و آنها را بنسبان لیبرالها خطاب می -

کنند. شما هیچ میدانید که اگر واقعاً شما همه بود، از پشت لیبرالها بردارید، برلس به این انقلاب و به آرسا هزاران هزار شهید کتلکسور کمن آن، چه خدمت بزرگ کرده اید؟ تا کسوف هست ای بیدیده اید که گستاخسری اخیر لیبرالها ما چه میسار به حساب کردن روی حمایت شما مروط است؟

"اکثریتی" ها از مجاهدین میخواهند تا از لیبرالها بپزند. ما به که بیدیدند، به "فدائیست" لیستها!! و این با اصطلاح سدا میریالیستها چه گسائی هستند؟ بیاسا "اکثریتی" ها عملا کی حرس کاسینه، رجاشی نیست. هسان دومف بندی حزب جمهوری، "اکثریتی" ها همه را در مقابل دورا قرار میدهند: با با حزب جمهوری و با لیبرالها!!

تبلیغ این صف بندیها بمانند تشنه اف بندبهای ممکن در جامعه نشاندند، ذوا بر مبه است: اولاً - اینکه "اکثریت" بیس" ها و نیروهای مشابه همه لاف و گزافه های شان در مورد "توده" و قدرت لایسزال وی و انقلاب توده ای ... عملاً ب توده مردم و قدرتش سساوری ندارند. اصلاً به حرکت رحمد - کشان اعتقادی ندارند و فکر می کنند که بیس کننده، حرکت جامعه دعوی سالاسی ها - سب اصطلاح دعوی لیبرالها و حزب جمهوری - است. ثانیاً - اس که چون دعوی این دو مانند حکومتی سحر حرکت جامعه را تعیین میکند، و بر عهده ایشان خفه نیروهای سیاسی و احسانی عملا و مستقل از اسر "دو قطب" هیچ کاره اند. بیس باید طرف یکی را اسها را کمر - "اکثریتی" ها ففلسلا ترجیح داده اند که ما حرسرت جمهوری باشند. و در اسن راه همه در ورگی ها را هم بچسان نشیه در صفحه ۱۱

فدائی ...

بقیه از صفحه ۱۱
خبرده اند. سایرین طرز
تفکر اکثرکی با حزب جمهوری
نماند. چنانچه لیبیرالها نیز!!

تا کتیک انقلابی اکثریتی هاد در شرایط کنونی چیست؟

" اکثریتی " هاد را واصل
نامه شان نوشته اند " در روزها
خفته ها و ماههای آتی ، سپس
ما و انقلاب ما روزهای سختی
را پشت سر خواهیم نهاد " و " سر
ضوشت انقلاب بیش از هر زمان
به تصمیمات درست نیروهای
انقلابی گرد خواهد آمد . "
ایمان در انتهای نامه تا آن
" تصمیم درستی " را که همه را
به آنها ذات دعوت میکنند مطرح
ساخته اند :

" محمی ها فکر میکنند که
اکثر این کابینه از عهد
اداره کشور برمی آید .
احتمال سقوط آن هست پس
ببهر است ما خودمان را در
شک های آن تریک نکنیم
و از اقدامات مدا میریسا
لیستی (!!) آن حمایت
نکنیم . حال آنکه کسی
واقعا انقلابی است که اولاً
بسیار بدستورین شود را
از سقوط دولت کدام نیرو
جراهد سرد؟ آیا بحر لیبیرال
لها؟ امرا از رئیس جمهور

حمایت میکنند . نیروی
دیگری هم هست که از این
سقوط فایده سرد؟ در تاسی
اکر ما ارسیا تنها و اقدامات
مدا میریالیستی دولت
و مجلس به این دلیل حمایت
نکنیم که ضعف است و ... آیا
این بمعنای تسلیم شدن
در برابر مخالفان انقلاب
و تمکین کردن به هدفهای
آنان نیست ؟ " تا کیداز
ماس)

بدین ترتیب از نفع نظر
" اکثریتی " هاد دفاع از انقلاب ،
امروزه بطور مشخص یعنی جلو
گیری از سقوط " کابینه " رجا
بی " که سلف رئیس جمهور
لیبرالها تمام میشود !! حده
تعمیم " انقلابی " و تا کتیک
درختانی است !! این نتیجه
محتوم تحمیل صف بندیهای
پیش یاد شده است . این نتیجه
محتوم همان تصویری از اوضاع
جاری است که حزب جمهوری (و
همچنین لیبیرالها) در مقابل
مردم ترتیم کرده اند : که گویا
دعوی اصلی بین حزب جمهوری
(مکتبی ها و فدا میریالیستی)
و لیبیرالها (متخصص ها و سازش
کارها) میباشد که بصورت
دعوی بین کابینه ، رجا بی
و رئیس جمهور نیرون زده است و
میخواهند مردم را محبور کنند که
بین یکی از این دو جنبه انتخاب
کنند . " اکثریتی " هاد می
گویند تنها تصمیم درست در تراس
بط کتونی جهت گیری با حزب
جمهوری است !!

نتیجه گیری

" اکثریتی " هاد در طول
این نامه :
اولا - بروی صف بندی
که حزب جمهوری در جامعه ماحه
است (و نه تنها حزب جمهوری
بلکه حتی همان لیبیرالیهای
" خطرناک ") کاملاً سعی -
کند از وظرفت حزب جمهوری
را کمره اند .
ثابا - برای جوش آمد
شدان حزب جمهوری ، به فلسف

و انعمات و عنایق تاریخی و
سیدی بی برداخته و متاثره در
راه آزادی را عملاً " ارجاعی "
قلمداد میکنند .

ثالثا - منطق با تسلیفات
حزب جمهوری ، معاهدین خلق
را مسبب اغتشاشات و درگیریها
قلمداد میکنند (در صورتیکه
مسبب همه این فتنه ها حزب
جمهوری است)

رابعا - دفاع بی قید و
شرط خود را از حزب جمهوری
و دولت متنوع ایشان یعنی
کابینه ، رجا بی اعلام میدارند .
حال با تمام این خشوش
خدمتی ها و چاپلوسی های
" شوریک و سیاسی " در پیشگاه
حزب جمهوری ، این نامه را
نیاید " مدح نامه حزب جمهوری "
از طرف " اکثریتی " هاد است ؟
جدا " اکثریتی " هاد قصد نامه
نوشتن به مجاهدین را داشتند
یا قمداد اعلام جنبشکی علمی و
کامل با حزب جمهوری را ؟
ولی در ارزیابی از نامه
باید صداقت داشت ! " اکثر
یتی " هاد انتقاداش نیز بینه
حزب جمهوری وارد دانسته اند .
توجه کنید :

" این نگراشیها (نگراشی
از وخامت اوضاع) وقتسنی
میشوند بگونه ای جدی تر
مورد توجه قرار گیرد که در ک
کنیم نیروهای اصلی جمهوری
اسلامی ایران که در شرایط
قطعی طبعاً هدف اصلی
تمام آن حملات قرار دارند ،
هورا این اطمینان را در
میان مردمی که خواهان
استقلال ، کار ، مکتس و
آزادی هستند بدید بسیار
است که در کتا کت سرکی که
در راه است آمادگی آن را
دارد که این جمهوری را از
حمایت همه جانبه وسی درج
متحدین و دوستان و مدافعان
واقعی انقلاب مادر ایران
و جهان برخوردار باشد ...
(تا کیداز ارماس)
آری " اکثریتی " هاد
صور " کاملاً " اطمینان

نیافته اند که حزب جمهوری
" آمادگی " لازم را برای
انداختن ایران در دامن
" متحدین و دوستان و مدافعان
واقعی انقلاب مادر ایران
و جهان " دارد یا نه !! " اکثر
یتی " ها که نازکی ها حیلی سنگ
" متحد و دوست و مدافع واقعی
انقلاب مادر جهان " - یعنی
شوروی - را بینه میرتند
هنوز کاملاً این اطمینان را
نیافته اند !! چه انتقاد " بحا "
و " اصولی " ای ! البته از دید
" اکثریتی " های روبریونیت
و شوروی برست !!

پایان سخن :

آن فدائی و این 'فدائی' !!

" اکثریتی " هاد نامه خود
را تا این جمله آغاز کرده اند :
" دوره کتونی تا
ریخ مبارزات خلق قهرمان
ما با نام شما و نام ما ، با نام
مجاهد فدایی گره خورده
است . "

ما کارنداریم که آیا واقعا
تاریخ معاصر مبارزات مردم
ایران با نام " مجاهد فدایی "
گره خورده است یا نه ! ولی یک
نگته را میدانیم و آن اینکه سر
آن فدایی که در میان مردم
بحق برای خودجایی مبارک کرد
با این " فدائی " زمین تا
آسمان اختلاف هست .

آن فدایی . آنکه به نام
تاریخ ببوسه و جاودانه شده . آن
که حماسه ها آفرید . آنکه با نام
و کار و آثار او احداث و بوسه
و تبادل بر سر آنها افتاد .
در حدیث با مبارزکاری و مصلحت
حوبی با دشمنان مردم مولد
ند ؛ ولی این " فدایی " سنا
لگد مال حاضر آرمسان آن
فدایی . تا بر بریا کسندارد
سنا انقلابی آن فدایی ارستی
سازش و دوستی بروی میکند !

داران آتی این چون ریکسان رکیسرها - به احتمال قریب به نفس یا کنرا آمدن با اسر قدرت روس دست به توطئه های شوم خود علیه ایران خواهند زد. دادن شرحی "امتیازات به اسر قدرت روس که نمونه هایی از آن را در سال اخیر - بویژه در دوران ریاست جناح نیکسون - که اکنون محدود قدرت گرفته - شاهد آن بوده ایم، گواهی است. برایین مدعا، "وتاره گریسه" احتمال ضعیف چنین سازشی برای بلعیدن ایران پیشش نیاید. آیا فکر میکنید روس ها تفسیری گسروش بنمودها سرا و استعماری خوددهها را بر سران خود راه جان خلق افغانستان انداخته است، حاضر شودیدون فتح انتظار متناظری سلاح های خود را در احیای ملت ایران فرار دهد. روسیه امپریالیست اکثر خلیج ایران را دوست می - دانت، دست کم منششاران سخانی خود را از عراق باز می - خواهد و با ارجح خود برای منبع استفاده از نفت افکن های - بیولف علیه ایران استفاده میکرد که در هیچ کدام از موارد فوق دست به چنین اقداماتی نرود است.

سپاه راه مخالفه با ما هم و با سایر توطئه های نوم اسپرت و ایستهای آمریکایی، سلاح در زمین و روح ملت و انگار به نیروی لایزال ملتوینهاست. از سوده های مردم ایران است. اکثر مردم ایران با با پشتیبانی بر خاسته از سجدانه و با انگار به سیری خود توانمند محمدرضا را از ریکه قدرت بر نیز گسند. بر سر سرمایه و راه صلتی اسر - با ایستهای آمریکایی و گسیر

فدائی...

آن فدایی در طاسان علیسه استناد و عقلمان حاکم بر جامعه و برای آزادی مردم بخروش در آمد: و این "فدایی" به آزادی منت کرده و سر تعظیم در مقابل نیروهای مستبد فرو آورده. آن فدایی با قیام علیه خیانست رویزیونیسم خروش جفی، با سر افراشتن علم مبارزه علیه "فورباغه خروثجفی" پاسه عرصه مبارزه گذاشت؛ و این "فدایی" با جبهه سازی در مقابل رویزیونیسم با همصدای شدن با همان فورباغه های بدبخت و بدتر با هم و آشدن با کزازه های وحشی بر زلفی، تمام بندهای خود را با آن فدایی فطخ کرد. بین آن فدایی و این "فدایی" همان خنجر بیونده است که بین انقلاب و خیانت، بین مارکسیسم و رویزیونیسم!

آن فدایی حرفه تا سنا - کی بود که در تار ریکی شب محمد رضا شاه درخشید، و این "فدایی" گرم شب تایی است که در نور خیره کننده انقلاب ایران فروغی ندارد! "فدایی" فقط نقابی است تا چهره واقعی "توده های خجول" در پشت آن مخفی بماند.

آن فدایی، واقعاً فدایی انقلاب و مردم نبود؛ ولی این "فدایی" فقط فدایی رویزیونیسم و شوروی است!

اسفند حکم تجاوز کارانه گنوا - بی معنی های مردود شرمینوا - سدنا بستند. لیکن اکنون از سلاح برنده خود را امکان ابعای ملت خود را طریباست حاکم بر جامعه و خنجر کویسی بخروشند. با بدتر با هم صدای ایران حرکت کرد و سوده مردم را با خود میگی به نیروی خود بود. آنگاه مواهیم دیند آسا آمریکا خروش با و روبا امکان نیروی بر ملت ایران خواهد داشت.

جواب 'اگر گفتید'...

لاندر فکر میکنید که این حضرات، همان حزب توده ایهای خودمان!! هستند که هرک غیر روسی شان بر خورده است. اگر چنین فکر کرده اید اشتباه میکنید!! این "نیروی سیاسی" کسی جز سازمان پرافتخار!! "جریکهای فدایی خلق" (اکثریت) نیست. نقل قول مربوطه از اعلامیه ۵۹/۹/۱۶ شاه: "کیلان این سازمان پرافتخار!! نقل شده بود. اکثریتی" ها تا زکی ها در کیلان بی پروا و بسیار "نا - نیانه" دست به تبلیغ پناه بردن به دامان شوروی امپریا - لیستی رازده اند. هزار چندگانه تراکتیهای بخش میکنند و "راه حل" هایی برای کناندن ایران به دامان اردوگناه کذایی "سوسیالیستی" میدهند. این تراکتیها بنا به سهای گوناگون متحمله "کارگران پیشرو" بخش میشود!

چگونه مواد مورد نیاز کارخانجات را تأمین نمایم؟

در ترازو کوسی بسیار از کارخانجات سلطه کلان مظهر کارخانه های سبک بران روز به روز به علت کمبود مواد خام و وسائل بدکی - تولید کارخانه - به حداقل ممکن کاهش یافته است. مازاد سلطه بر است. کوشش جهت تأمین مواد مورد نیاز کارخانه ها - یکی از وظایف اساسی دولت جمهوری اسلامی است.

برای تأمین مواد اولیه و قطعات بدکی مورد نیاز کارخانجات، دولت جمهوری اسلامی باید: از کشورهای دوست و همسایگان انقلاب ایران یعنی کشورهای ترقیخواه و سوسیالیستی وارد نموده و با بدین طریق کمبود مواد مورد نیاز کارخانجات تأمین گردد.

کارگزاران پیشرو - کیلان ۱۳۶۷/۱/۱

پاسخ به...

میباید. تعیارت دیگر در این حالت دفاع از استقلال و شرایط موجود است و نگاه کلیه طبقات. یعنی دفاع از استقلال شرایط زندگی و مبارزه درونی کلیه طبقات یک کشور (ایران) می باشد. در این مظهر سروهای ار - نحای و عشودال - کمبرادوری خودی که در این جنگ معیسی طرف دشمن خارجی را گرفته اند عنوان عواملی نمکانه است به این شرایط عمومی (مهر) عنوان عوامل مداراسی - عواملی که بر سلطه غیر سوارند عمل میکنند.

بدنیان گفتم که گرسن ار با حدا حاکم مان ایران و یک نیروی خارجی کا ملامحیم است - همانطور که صلاحیت حاکم مان مبرو سوسپوسم های ایران است. در اکتبر ۱۹۶۲ صنعت می شود و غیره.

آمریکا...

تقدیر از صفحه آخر

که همگی در پشت تعارض و تضاد
سازمان اینستاده اند. اکنون
بفرمان ارباب نفعه های شوم
دیگری را صادر کرده اند.

کمیترکه فعلا نقش بلند
پا بدترین مشاوران ریاست
جمهوری جدید آمریکا را با
ری میبکند. وارد منطقه شده
و سانوگران سرسورده آمریکا
شعول مذاکره است. سیرووی
جمهوری بی آمریکا در منطقه
سیخ فارس و ایالتی هند
کناگان شعول جولان است و
هر لحظه میزهای خود را احاطا
سکندنا نقشه های بلند خود
را پیاده نماید.

حاکمیت ریگان بجای
تاروت و بمران ناحی امیریا
نیستهای آمریکا کشی به نیسیا
سیبری در سیاست عمومی آمر
سکا منی سرار پس گرفته سن
لسه چرسی که مردم ایران سنا
بنام خود ادرست آنان سیرون
کشیده اند. نمیباشد. بلکه
سامی حرکات و نشانات ریگان
حاکمی ارادانه، بیایب، سیخ
عمد، سیروهای ارمحای غلبه
اطلا ایران است.

ریگان در مصالحه های
میر خود مریخا به سیاست تحزرت
ک، سیبری نیوسل حسه است.
اوسردم ایران را محدودانه وحشی
کبری منجم کرده و برای هزار سن
برسه ادعای بوج "عمومیت"
عاسوسن های خود در ایسوان را
سوده است و ایران را سبرناج
سکروید استجیبی را آدم برد و
سکروید میدهد. و غصه

سرمه حسیه های ریگان برای
جستار عمومی مردم آمریکا
و در عین حال آماده ساختن
معالج لازم برای بیشتر نیاست
ورکا رایبه خود، شنجسه
منطقی سیاست امیرالیمتشی
انحصارگران آمریکا و نیسز
حامل سازشکاریها و مظلومیت
بازی های دولتمردان جمهوری
اسلامی در برابر سلطان سزوک
است.

نه کارشردل برای ۵۲ ها...
سوس خود میسوزاند و نه ریگان
اهل احصا سات آن چنانی است.
۵۲ نفر آمریکا یی که بسرای
امیریا لیستهای آمریکا یی
ارزشی ندارد، آنان حاضر اند
۵۲۰۰۰ آمریکا یی را در راه باز
پس گرفتن موقعیت نواستعماری
خود در ایران فدا کنند و خمسه
امرویشان نیا ورند. درویشنام
جنین کردند. در گره نیز سسه
همین سوال وده ها نمونسه
تاریخی دیگر گواهی است بسر
این مدعا. علیرغم ادعاهای
بوج و توخالی این آدم نماهای
حون آقا مپیرا مون قبول ضمنی
برخی از شروط ایران بسرای
رها یی کروگانها، آنها مشغول
بازی بازی کردن با دولتمرد
دان جمهوری اسلامی هستند تا
شرايط را برای نقشه های شوم
خود آماده سازند.

امیریا لیستهای آمریکا
یکایی برای ملت ایران از امتحان
خود را داده اند. آنان کسه
مخربان و ظرا حان کودتای شوم
۲۸ مرداد ۲۲ بودند. باشکستی
که شدت مردم ایران در سال ۵۷
خوردند. حوی ترار بیست سنا
کثون چندین باره بنا حساب
سنتیم و غیر مستقیم دست رده
اند. آنان چندین باره سینه
برای کودتا در ایران ریختند
که سرگرتس آن طرح کودتای
۱۸ سیرا مثال بود. آنسنان
عالمین حمله سنا به ساور
گارا سنا به طسین بودند. آنسان
در اغشانات دروسی و مسزری
ایران با مسلح کردن وسایسین
سه حاسه دستات و ایستسه

خود مستقیم دست داشته و دارند.
آنان در محاصره ایتمستیا دی
ایران، در تحت فشار سن المللی
قراردادن کشور را از هیچ دستسه
و توطئه ای فرور گزار نسموده اند
و آخرین شگرد آن را امیسوان
در طرح تجاوز یعنی های مزدور
به خاک میبین ما ملاحظه نمود.
و هم اکنون در طراحی نقشه های
تجزیه ایران در منطقه کردستان
بدرست عوامل مزدور حزب دموس
کرات و با با مسلح کردن وتامین
مالی فنودالهای بلوچ و فارس
و با طرح تسخیر سه جزیره ایران
در خلیج فارس سخت مشغولند.

همین گزارش بلوا و آشوب
که در تهران و سایر نقاط ایران
بدرست عوامل مستقیم و غیر سسر
مستقیم خود و با بهره گیری از
اختلافات درونی جا مع به س آن
دامن میز شد و آنهم در پشت در
شرايطی که متجا وزین عراقی
به خاک میبین ما حمله نموده و
تجنگ متقابل ایران با عراق
به یک حالت بن بست و فرسایشی
کشیده است. گواهی برای نیست
که برتا مه های دیگری در حال
سیاده شدن میباشد.

اینکه امیریا لیستهای
آمریکایی ظاهرا مشغول مذاکره
بوده و ادعای رسمی می نمایند
که طرحی برای مداخله یا تجاوز
به خاک ایران ندارند. همایش
دروغ و فریب کاری محض است.
مردم ایران با یدیدا آورند
زمانی که دکتر معدق برای سسن
نموروا هی بود که با میانجیگری
آمریکای "آزاد" میسوان سسند
مسئله سارزه "فدشرتک نفسست"
اسکلیس را سحوی حل نمایند
و مقامات آمریکا یی سسر در ظاهر
تبا نه واسطه و سنانجی را سحیود
کرفسند. ما مورین معنی آمر
یکانه تدارک یک کودتا سپردا
حسند و با لاجره سدن و سسند ملی
مردم ایران را سحون کشیدند.

امیریا لیست آمریکا در حال
حاضر سسر در بی هاست کسه در
دوران سدن بود. وسنا سنا
این دوره ایست که آمریکا
در ایران دوران سدن اگسر

منافع محدودی داشت. و برای
همان منافع محدود و گسرتس
آن دست به کودتای خونین ۲۸
مرداد زد. آمریکا در ایسوان
امروز سس سال پس گرفتن سوس
قیمت بسیار حیا تی نواستعماری
از دست رفته خود میسوا شد و لسا
ده برابر بیشتر خواهد کوشید.
آمریکای حنا ییتکا رحتی شایب
حاضر شده که نما می شروط نسیم
سند مجلس جمهوری اسلامی
را پذیرا شود. ولیکن تنها به
یک منظور و آنهم جز برای خام
کردن مردم و دلنمردان ایران
نیست تا بتواند همه ایسوان
را باز پس بگیرد.

موضوع دیگر قابل ذکر که
در عین حال تا سفا انگیز نسیمز
میباشد. موضوعی است که در سسر
مقاله روزنامه، اطلاعات ۹ دی
ماه ۵۹. به آن بر خورد می نما
شیم. سرفقاله اطلاعات کسه در
کلیات خود مسایل در ستر ا طرح
کرده آنجا که پیرا مون سیاست
بر خورد به توطئه های آمریکا می
پردا زده، به اشتباه فاحشی دچار
میکردد.

سرفقاله فوق الذکر
پیشنهاد دلال الندین فارسی
را که عملا بیدک کشی برای مبر
یا لیستهای روس مینماید، در
عین اینکه ملاحظات و شروط
استقلال طلبانهای را پیش می
کشود به آن بیدیده تردید مینکود.
بهر حال پیشها در دریا مت سلاح
های روسی را که بتوانند با سلاح
های آمریکا یی مقابله کنند تا
بل بررسی میداند. ما در سفا
له، دیگری در همین سسنا ره
(آنها شیکه مردم را به سازش
با ابر قدرت روس فرا میسوا
شند) پیرا مون این طسرح
ایران بر سادده سخن گفته ایم.
لیکن نکسه فابل ذکر در ایسوان
جا ایست که سوس سگان سسر
مقاله روزنامه، اطلاعات جنمسا
با یدیدا سسند که موقعیت دواسر
مدرت در ستر بط کسوبی سسین
المللی سسچوست که اول آمر
یکا سویزه با سیاست سسر دم

پاسخی به

نامه پراگنی فدائی اکثریت

مختصرا پاسخی به آن میدهم. قلب واقعیات و حقایق اکثریتی ها برای اینکه گفتا رخود و نظرات خود را "موجه" جلوه دهد، مجبور شده اند بدیهی ترین واقعیات در مورد حوادث و وقایع چند مدت گذشته را تحریف کنند و به

قلب آنها بپردازند. فقط سه چند نمونه از این شیوه، دروغ - کویبی، عدم صداقت در سازگویی وقایع تاریخی و حرفهای "حزب جمهوری شادکن" زدن "اشساره" مختصر می نمایم.

همه میدانند که در یکی دو ماه گذشته، تظا هراتسا و اعترافات بی غلبه زورگویی - های حزب جمهوری در گوشه و کنار کشور بر آفتاب شده است. همه میدانند که اینگونه تظا هراتسا آنگونه که حزب جمهوری تبلیغ میکند، به تحریک "فدائقلاب" و "بر علیه ولایت فقیه" و... نبوده، بلکه در اساس تسودار بزبان مردم علیه زورگویی های حزب فتنه جوی جمهوری اسلامی

بوده است، ولی "اکثریتی" - ها که فعلا عقدا تعدادنا مری با حزب کذابی بسته اند آنها را چنین ارزیابی میکنند. "در تمام تظا هراتهای ارتجاعی ماههای اخیر تظا هرکنندگان برای ساز مخالف تبارا - حانیون فدا میربا لیست (یعنی بهشتی، رفعتحانی و خامنه ای !!) و پاسداران انقلاب... شعارهایی را که مدد در صد ارتجاعی و فدا نقلاب بی است... تکرار کرده - اند" (تاکید از ماست) "اکثریتی" ها ابد آنمی گویند چرا این تظا هراتسا "ارتجاعی" بوده است، فعلا سنج ساز نیست !!

بنیبه در صفحه ۹

سینار ائمه جمعه برای چه تشکیل شد

در هفته گذشته به پیشنهاد آیت الله منتظری، اما مسان جمعه شهرهای مختلف گرد هم آمدند و اصطلاح "سیناری" ترسب داده اند. هدف از تشکیل این اجتماع در فم چه بود؟

نمازهای جمعه از آن جهت اهمیت دارند که هر هفته عسده کنیری از مردم را در یک جامع یکجا (اگرچه هر روز و از تعداد شرکت کنندگان در این اجتماع مذهبی - سیاسی" کاسته می - شود) و سایر این محل و مکان سیاسی است برای تبلیغ سیاسی و برنامهم حزبانات سیاسی، ولی کویبا "روحانیت" ماکسون فادر سوده است سیاست و "خط" واحدی را در ایسی اجتماعات علمی تبلیغ سنا - بد، سر مقاله، ووریا مه اصلاحات (۲۲ د ماه ۱۳۵۹) تطویحا ای امر را اعتراض میکند:

"... بسیار زانهای هستند که امام جمعه ای در یک - هرا زمان سبیل سیاسی روز سبوی سخن میگویند که سبیا

مردم باید بهوش باشند نقشه بعدی آمریکا چیست؟

مردم ایران باید بهوش باشند، آمریکای سنها ددرسی توطئه دیگریست با انقلاب ایران راه ساز شور آورده، آبراطلع وضع کم دویک دیگمانوری فا - نیسی را بر پا کرده اند. نقشه آمریکا ارمان اوج کیستی و برروری فمام بهس ما ۵۷ و اران ماریج ماکسون همیسر بوده است. و مارما سکه به دند نوم خود سردست ار سراسران و اغلاب مان برخوا هدا نشد.

اگون رمره سحر سبه خورده اسوی آمریکای جهان خوار کونوس میزند. نوگسبران حلقه کونش آمریکائی در سطنه

بنیبه در صفحه ۱۳

وظیفه "حزب جمهوری" و "حقی" که باید کف دستش گذاشت

احرار و روسا مه کیهان ارچندین ارتعصت هادراره، فانون مطبوعات "مطرحوا" می کرد، یکی ار این تعصبات ها، حلال الدین فارسی بود که ار سردستاران حزب جمهوری است. و احرا اذوا ره سحرانی ها

و اطهار نظرهای خود را امراس داده، تا بدحا طرا بیکه برای تعلی در ستر گرفته شد. اسسب. حاب حلال الدین فارسی برای اینکه صدست خود را آردی سان و عقیده و مطبوعات را به صراحت

بنیبه در صفحه ۵